



Shair-e-ir

«روزگاری می رسد...»

روزگاری میرسد شعرم برایت نغمه باشد

روی مضراب کلامم چشم تو چون زخمه باشد

روزگاری می رسد تا شوق دیدار تو ای عشق

دلبری در دیدگانم بهر تو با سرمه باشد

روزگاری میرسد تا قامت مردانه ات را

بر تن عریان این زن غیرتی... هم جامه باشد

روزگاری میرسد ساحر شوم با غمزه و ناز

پوششم از اطلسیها با حریر و ترمه باشد

روزگاری میرسد تا آسمان خلوت ما

ماه من باشی و هر دم چشمکی از نجمه باشد

روزگاری میرسد با دل بیایی دیدن من

یار من باید نبیند اشک من چون چشمه باشد

